



واکاوی ادبیات مقاومت در اشعار سمیح القاسم و محمد القیسی: نمادگرایی، امید و مقاومت در برابر ظلم و نقش آن‌ها در بیداری اجتماعی و ملی فلسطین
سجاد محمدزاده^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران^۱

چکیده

این پژوهش به تحلیل مجموعه اشعار سمیح القاسم و محمد القیسی که از شاعران مهم مقاومت فلسطین به شمار می‌روند، می‌پردازد. اثر محمد القیسی بیانگر عشق و دلبستگی شاعر به وطن است و فاصله عاطفی او از زادگاهش را به تصویر می‌کشد. شاعر در این اشعار با اشاره به رنج و آوارگی مردم، ندای وحدت و مقاومت ملی را بیان می‌کند و اوضاع نابسامان سیاسی و ظلم را نقد می‌کند. این اشعار بیانگر تمایل شاعر برای بازگشت و ارتباط با وطن است. القیسی با استفاده از تصاویر و مضامین قوی، رنج و آوارگی مردم فلسطین را در برابر ظلم و اشغالگری به تصویر می‌کشد. در اشعار سمیح القاسم، نماد به‌عنوان نشانه‌هایی از سرزمین فلسطین، همراه با تصاویر خون و فداکاری، پیامی روشن از مبارزه و مقاومت فلسطینیان علیه اشغالگری ارائه می‌دهند. این دو شاعر به‌طور مشترک از شعر به‌عنوان ابزاری برای بیدار کردن افکار عمومی و مقابله با جهل و غفلت اجتماعی استفاده کرده‌اند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی شگردهای ادبی و تصاویر نمادین در اشعار القیسی و چگونگی بازتاب احساس ناامیدی، امید و مقاومت در برابر نابرابری‌ها است. اهمیت این تحقیق در درک عمیق‌تر ادبیات مقاومت و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت ملی و اجتماعی است که می‌تواند به بهبود درک جوامع از تجربیات و رنج‌های مشترک کمک کند. نتیجه تحقیق این است که اشعار القیسی فراتر از بیان فردی است و به عنوان یک زبان جمعی و ابزاری برای وحدت و آگاهی مردم فلسطین و جهان عمل می‌کند. این تحقیق با هدف تحلیل ادبیات مقاومت در اشعار محمد القیسی انجام شده است. با بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی و توصیفی، آثار این شاعر به‌طور دقیق بررسی شده تا مضامین جنگ، درد، نابرابری، و امید شناسایی شوند. اشعار آنها با استفاده از تصاویری گویا، به تصویر کشیدن زخم‌های ملت فلسطین و دعوت به اتحاد در برابر ظلم می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهند که اشعار وی، علاوه بر ارزش‌های ادبی، ابزاری برای بیداری اجتماعی و دفاع از هویت ملی محسوب می‌شوند.

کلیدواژگان: ادبیات مقاومت، سمیح القاسم، محمد القیسی، فلسطین، ظلم، اشغال، هویت ملی، نمادگرایی

۱. مقدمه

ادبیات پایداری یا مقاومت، اساس مبارزات نسل مقاوم و مخالف ظلم در حفظ وطن، دین، فرهنگ، هویت و سنت‌ها در برابر مهاجمان و بیگانگان است که به ارزش‌های انسانی و ملی می‌انجامد (الفاخوری، ۲۰۱۵: ۱۲). ادب مقاومت، این مخالفت و مبارزه را در قالب‌های شعری و ادبی مختلف به تصویر می‌کشد و به نسل‌های آینده منتقل می‌کند. این استمرار، وجه انسانی عمومی است که به هیچ چارچوب ملی خاص یا چارچوب اجتماعی محدود تعلق ندارد و یکی از جنبه‌های مثبت مهم این آثار است. "غسان کفانی"، ادیب فلسطینی مشهور، معتقد بود که ادب فلسطین در درک رابطه بین مقاومت علیه اسرائیل و آزادی در کشورهای عربی و جهان پیشرفت کرده است. اکثر ادیبان فلسطینی، مرزهای تعهد خود را فراتر از محدودیت‌های فنی می‌دانستند و در مسیر پیوستگی به حرکت ملی آزادی، شرکت کردند و طعم تلخی سرکوب و شکنجه را چشیدند و از این شرایط سخت، به عنوان محرکی برای شکوفایی در آثارشان بهره بردند. همچنین سنگری (۲۰۰۹) ذکر کرده است که "ادب فلسطین، بیشتر از هر ادب دیگری در جهان عرب به مقوله تعهد و پابندی پرداخته است" (ص ۴۸).

در عصر حاضر، ایران با مداخلات کشورهای استعماری مواجه شده است. جزئیات حضور استعمار در ایران، به ویژه در قرن بیستم، از موضوعات وسیع تاریخ معاصر ایران است و نقش دولت‌های استعماری بریتانیا، آمریکا و صهیونیسم به خاطر مداخلات متعدد و وسیع خود، بارز است. بعد از مواجهه عراق با ایران به دست نیروهای آمریکایی، ادبیات جنگ و دفاع مقدس شکل گرفت. فضای اندیشه و زبان تخیل و احساسات که این دوره را متمایز می‌کند، تحت تأثیر جامعه‌ای است که در حال تجربه تحول فرهنگی و بازگشت به فرهنگ ایمانی اصلی خود است و این امکان را برای خلق شعر نوعی متفاوت فراهم کرده است (ملایی و آخرون، ۲۰۲۳: ۶۰). در زمینه ادب مقاومت در فلسطین و دفاع مقدس در ایران، بسیاری از شعرای ادبیات این عناصر را در آثار خود منعکس کرده‌اند، مانند "محمد القیسی" در فلسطین. تلاش‌هایی در این مقاله برای تحلیل اشعار آنها بر اساس ادب مقایسه‌ای صورت گرفته است. یکی از چالش‌هایی که در نوشتن این مقاله با آن مواجه بود، عدم دسترسی به دیوان شعر شاعر فلسطینی محمد القیسی بود، با وجود اینکه اشعار او در وب‌سایت‌های عربی آنلاین در دسترس هستند. پژوهشگر به این وب‌سایت‌ها مراجعه کرده است تا اطلاعات را به‌درستی مستند کند. در پایان، کرد که این مقاله از نقص‌هایی نیز خالی نیست.

در شعر سمیع القاسم و محمد القیسی، مبارزه با جهل و غفلت نقش بسیار مهمی در به تصویر کشیدن مقاومت و پایداری ملت فلسطین دارد. سمیع القاسم به‌ویژه با استفاده از نمادها و سمبل‌ها، مفاهیم پیچیده‌ای از مقاومت، هویت ملی، و پایداری را به مخاطب خود منتقل می‌کند.

رویکرد تحلیلی و توصیفی در تحلیل آثار ادبی دو شاعر فلسطینی، محمد القیسی و سمیح القاسم، ابزاری قدرتمند برای بررسی دقیق مفاهیم و تکنیک‌های ادبی است که هرکدام به‌ویژه در اشعار خود برای بیان مفاهیم مقاومت و پایداری استفاده کرده‌اند. هدف اصلی، کشف این است که چگونه این دو شاعر در ادب مقاومت مضامین مشترک و مختلفی را به کار برده‌اند و چگونه آثارشان تجارب و دردها و آرزوهای مللشان را بازتاب می‌دهد. با توجه به وضعیت اجتماعی و سیاسی کنونی در فلسطین و ایران، آثار این دو شاعر تاریخ و فرهنگ غنی کشورهای خود را به وضوح بیان می‌کند که نشان‌دهنده وضعیت ناپایدار بشر است (النجفی، ۲۰۱۱: ۸۱). اهمیت این مسأله در آن است که ادب مقاومت به عنوان نوعی از ادب متعهد و سیاسی محسوب می‌شود و می‌تواند در درک عمیق‌تر تجربیات انسانی در برابر ظلم و اشغال کمک کند. این ادب فقط به حفظ هویت ملی و فرهنگی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند ابزار مقاومت و امید در برابر ظلم و فشارهای اجتماعی باشد (النجفی، ۲۰۱۱: ۸۱). همچنین شعر یکی از مؤثرترین ابزارها در ابراز احساسات و عواطف انسانی است و می‌تواند در ارتقاء فرهنگ صلح و همزیستی نقش داشته باشد (بصیری، ۲۰۰۸: ۴۱). نتایج این تحقیقات نشان داده است که ادب مقاومت فقط ابزاری برای ابراز تجربیات شخصی نیست، بلکه پیام جهانی علیه ظلم و نابرابری نیز حمل می‌کند. در این مطالعه، تلاش شده است تا مهم‌ترین وجوه افتراق و اشتراک در تجلیات شعر مقاومت و صمود از طریق تمرکز بر اشعار شاعران مربوطه، محمد القیسی و سمیح القاسم، تحلیل شود. این کار در چارچوب مکتب آمریکایی ادب مقایسه‌ای انجام خواهد شد و هدف آن پاسخ به سوال زیر است:

۱.۱. پیشینه تحقیق

آل احمدی و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله خود به روند ادبیات مقاومت پرداخته‌اند. آنها به درد و رنج مردم فلسطین تحت اشغال اسرائیل می‌پردازند و وضعیت رو به وخامت انسانی را برجسته می‌کنند که برای تشخیص واقعیت درد و رنج بر عناصر رئالیسم ادبی تکیه دارند. این نویسندگان به جزئیات جزییات و حملات علیه مردم فلسطین می‌پردازند، همانطور که ترابی (۲۰۱۶: ۸۵۱) در «غسان کنفانی ودوره في تشكيل مفهوم أدب المقاومة الفلسطينية» اشاره کردند. ادبیات مقاومت در این رمان‌ها فرآیند واکنش هنری به رویدادهای دردناک تاریخی را نیز در بر می‌گیرد. از طریق داستان گویی دقیق و جزئیات، رمان‌ها می‌توانند انعطاف‌پذیری مردم فلسطین را منعکس کنند. ویژگی ادبیات مقاومت، وجود عناصر مختلفی است که رنج مردم و آرزوهای آنها برای آزادی را منعکس می‌کند، همانطور که ملایی و آخرون (۲۰۲۳: ۵۵) در «عناصر ادبیات مقاومت» مورد بحث قرار دادند. این عناصر به موضوعاتی چون مبارزه، تجلیل از شهدا و القای امید به آینده می‌

پردازند. به عنوان بخشی از ادبیات مقاومت، این عناصر به تقویت روحیه مبارزاتی خوانندگان کمک می‌کند. شاعران و رمان نویسان از طریق آثار خود برداشت‌هایی از ارزش‌های میهن پرستی و تعلق را ارائه می‌دهند. در متن ادبیات مقاومت، مضامین به درد محدود نمی‌شود، بلکه امید به عدالت را نیز در بر می‌گیرد. این عناصر بر اهمیت حفظ هویت و میراث فرهنگی در مواجهه با چالش‌ها تاکید دارند.

ایرانی زاده و زملاؤه (۲۰۲۱: ۸۵) در "بنماخه الشهداء والشهادة في شعر حسن حسيني" تأثیر مهاجرت و آوارگی را بر توسعه ادبیات مقاومت در فلسطین بررسی می‌کند. این نشان می‌دهد که چگونه اعمال خشن اشغال در شکل‌گیری یک هویت ادبی روشن که نشان‌دهنده درد و رنج مردم فلسطین است کمک کرده است. وی تاکید می‌کند که ادبیات مقاومت بیانگر تمایل مردم برای اثبات وجود و فرهنگ خود با وجود بی‌عدالتی و آزار و اذیت است. وی خاطرنشان می‌کند که شعر فلسطین نه تنها به مظهر غم و اندوه تبدیل شده است، بلکه به نماد اعتقاد به پیروزی و مقابله با اشغالگری تبدیل شده است. محرابیان شعر را وسیله‌ای برای بیان چالش‌ها و مقاومت می‌داند که طنین ایستادگی و سرکشی در برابر دشمنان را در خود دارد. او نتیجه می‌گیرد که تجربه چالش به بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت فلسطینی و تاریخ ادبی آن تبدیل شده است.

کردستانی (۲۰۲۳: ۲) در "تصویرية الإيثار والشهادة في شعر حسن حسيني، قیصر أمینبور، وعلي رضا قزوه" به بررسی نقش شعر در دوران دفاع مقدس بین ایران و عراق و تأثیر آن بر ادبیات مقاومت می‌پردازد. این نشان می‌دهد که چگونه شعر به بیانی از واقع‌گرایی شگفت‌انگیز ایلان تبدیل شد که مبارزان از طریق آن زندگی کردند و یک سند تاریخی برای این مرحله است. قابل ذکر است که بسیاری از شاعران با نیروهای خود به جبهه‌ها پیوستند و در سرودن اشعاری که بیانگر پیروزی‌ها و فداکاری‌های آنان بود، سرآمدند. رستگر نتیجه می‌گیرد که شعر فقط به شعار نویسی محدود نمی‌شود، بلکه به چارچوبی واقع‌گرایانه که زندگی مبارزان و مصیبت‌های آنها را منعکس می‌کند، حرکت کرده است. تصور می‌شود که شاعران این مرحله با الهام از رادیکالیسم تجربه رزمی، جنبش ادبی جدیدی را شکل دادند.

الفاخوری (۲۰۱۵: ۱۲) در "تأثير المعتقدات الدينية في تطوير أدب المقاومة" هم‌افزایی شعر آئینی با شعر ملی را در دوران انقلاب دفاعی برجسته می‌کند. این کتاب بر چگونگی استفاده شاعران از مفاهیم دینی به عنوان عنصر ضد اشغالگری متمرکز است و به وسعت افق‌های شعری در آن دوره اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد که این شیوه‌های جدید دریچه‌هایی را برای نوآوری ادبی به روی شاعران گشود که منجر به شکل‌گیری گفتمان شعری بدیع شد. همچنین ثبت می‌کند که چگونه نگاه مردم به شعر آئینی تغییر کرد و بخشی از گرایش‌های ادبیات مقاومت شد. او

نتیجه می‌گیرد که این دوره نه تنها افزایش بیان شاعرانه را نشان می‌دهد، بلکه باعث ایجاد رابطه مثبت بین دولت و شاعران می‌شود.

حبیب آباد (۲۰۲۱) در "استعراض السمات الرومانسية في أدب المقاومة بالاعتماد على أشعار أمينبور، حسینی و غرامرودي" دوران دفاع مقدس را متمایز و در طول تاریخ منحصر به فرد می‌داند. وی بر نقش شاعران در حمایت از ارزش‌های جمهوری خواهی و دفاع از کشور تأکید می‌کند و مرور می‌کند که چه تعداد از شاعران بر تلقین ارزش‌های شهادت و مقاومت تکیه کرده و تجربیات زندگی خود را در دوران جنگ بیان کرده اند. این نشان می‌دهد که چگونه شرایط سیاسی و اجتماعی به شکل‌گیری یک گفتمان شاعرانه کمک کرد که دین و میهن پرستی را در هم آمیخت و شعر را به ابزاری برای جهاد و مبارزه تبدیل کرد. اولیایی نتیجه می‌گیرد که این پدیده بی‌سابقه بیانگر بیان جدیدی از هنرهای ادبی در آگاهی مدنی است.

ادبیات معاصر، چه شعر و چه رمان، نقش خود را در ثبت تاریخ و بیان رنج مردم نشان می‌دهد. این ادبیات نقش مهمی در شکل‌دهی هویت ملی و ترویج ارزش‌های مقاومت ایفا می‌کند، همانطور که ملایی و آخرون (۲۰۲۳: ۶۴) در «أدب المقاومة والتاريخ الفلسطيني» بحث کردند. ادبیات به دنبال ایجاد آگاهی عمومی در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی است. ادبیات با استفاده از نمادهای شاعرانه و روایات قدرتمند به سفر خود برای مقابله با بی‌عدالتی ادامه می‌دهد. به برکت این آثار، امید در دل نسل‌های آینده باقی می‌ماند. در پایان، ادبیات نشان دهنده صدایی زنده برای آرمان فلسطین است، در حالی که مبارزه ادبی بخشی از مبارزه ملی را تشکیل می‌دهد.

۲-۱. سوالات تحقیق

۱. چگونه استفاده از نمادها و سمبل‌ها در اشعار سمیح القاسم و محمد القیسی، مفاهیم مقاومت و پایداری فلسطینیان را به تصویر می‌کشد؟
۲. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان ادبیات مقاومت فلسطین و ایران در مقابله با استعمار و اشغالگری وجود دارد؟

۳-۱. روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش‌های اصلی و کتابخانه‌ای انجام می‌شود و شامل یک رویکرد تحلیلی و توصیفی است. در مرحله اول، منابع مرتبط شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و آثار محمد القیسی شناسایی و به‌دقت مورد بررسی قرار می‌گیرند. هدف این مرحله این است که با مرور متن‌های اصلی و فرعی، اطلاعات کلیدی مرتبط با ادبیات مقاومت و ثبات استخراج شده و پایه‌ای قوی برای ادامه تحقیق فراهم شود. در مرحله دوم، پس از جمع‌آوری اطلاعات، شواهد

و مؤلفه‌های ادبیات مقاومت و ثبات از آثار محمد القیسی استخراج می‌شود. در این مرحله، تحلیل دقیقی از اشعار این دو شاعر به عمل می‌آید تا تأثیر ادبیات مقاومت بر روی آثارشان مشخص شود. فرآیند جمع‌آوری داده‌ها به صورت کیفی و شامل تحلیل محتوای شعرها انجام می‌شود و نتایج استخراج شده در قالب فصول مختلف مقاله تنظیم می‌گردد. در نهایت، نتایج به دست آمده تحلیل و با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا تأثیر ادبیات مقاومت بر اشعار شاعران و روابط اجتماعی-سیاسی در قالب ادبیات مقاومت بهتر درک شود.

۴-۱. چارچوب نظری

در این بخش از پژوهش، مفهوم ادبیات مقاومت و پایداری به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز شعرهای فلسطینی و به ویژه آثار محمد القیسی و سمیح القاسم مورد بررسی قرار می‌گیرد. ادبیات مقاومت در این زمینه به عنوان شکلی از اعتراض و مبارزه علیه ظلم و اشغالگری، به ویژه در فلسطین، شناخته می‌شود. این ادبیات نه تنها به عنوان ابزاری برای مقاومت فیزیکی و سیاسی بلکه به عنوان راهی برای حفظ هویت فرهنگی، ملی و انسانی ملت‌های تحت سلطه مطرح است. در این راستا، شعر فلسطینی به عنوان ابزاری قدرتمند برای بیان رنج‌ها، مقاومت و آرزوهای آزادی خواهانه عمل می‌کند (الفاخوری، ۲۰۱۵: ۱۲).

۱. نقش ادبیات مقاومت در شکل‌گیری هویت ملی و فرهنگی: ادبیات مقاومت به ویژه در شعر فلسطینی، از زمان اشغال فلسطین و تأسیس رژیم اسرائیل، به طور گسترده‌ای در قالب‌هایی چون شعر، داستان و نمایشنامه به تصویر کشیده شده است. این آثار به ویژه بر هویت ملی و فرهنگی فلسطینی‌ها تأکید دارند و به عنوان ابزاری برای انتقال نسل به نسل مبارزات و رنج‌ها عمل می‌کنند (النجفی، ۲۰۱۱: ۸۱). شاعرانی چون سمیح القاسم و محمد القیسی با استفاده از نمادها و سمبل‌ها، مقاومت را در برابر اشغالگری اسرائیل و بیگانگان به طور مستمر به تصویر کشیده‌اند. این نوع ادبیات به طور مشخص به دنبال حفظ و تقویت هویت جمعی، فرهنگی و ملی فلسطینی‌ها است.

۲. تجلی مفاهیم مقاومت و وطن پرستی: در تحلیل شعرهای معاصر عربی، استفاده از نمادها و تصاویر طبیعت ابزاری مؤثر برای انتقال مفاهیم فرهنگی و سیاسی است. در آثار ادبی معاصر عربی، به ویژه در زمینه‌های مقاومت و وطن پرستی، تصاویر طبیعت به طور بارزی برای نشان دادن پیوند عاطفی با وطن و تجلی احساسات انسانی در برابر اشغالگری به کار رفته‌اند. در این آثار، طبیعت به عنوان نمادی از مقاومت و پایداری در برابر ظلم و فشارهای اجتماعی و سیاسی مطرح می‌شود. نمادهایی همچون دریا، درختان و دیگر عناصر طبیعی علاوه بر بیان احساسات فردی،

به عنوان وسیله‌ای برای بازتاب مفاهیم پیچیده‌تری مانند هویت، درد، رنج و مبارزه در برابر اشغالگری عمل می‌کنند. این تصاویر نه تنها به شاعر اجازه می‌دهند که احساسات و تجربیات شخصی خود را با مخاطب در میان بگذارد، بلکه به طور غیرمستقیم مفاهیم فرهنگی و تاریخی ملت‌ها را نیز منتقل می‌کنند (حجازی & رحیمی ۲۰۱۱: ۱۷). در این زمینه، نمادهای طبیعی به عنوان ابزارهایی برای بیان اعتراض به ظلم و فشارهای اجتماعی و همچنین تبیین هویت جمعی و ملی استفاده می‌شوند.

۳. ادبیات مقاومت به عنوان ابزاری جهانی برای مبارزه با ظلم: ادبیات مقاومت به‌ویژه در شعر فلسطینی، تنها محدود به شرایط خاص فلسطین نمی‌شود. این ادبیات با ایجاد ارتباطی جهانی، می‌تواند به عنوان ابزاری برای بیان ظلم و نابرابری در سطح جهانی عمل کند. از این منظر، این آثار به طور وسیعی نه تنها بیان‌گر مقاومت مردم فلسطین بلکه اعتراض به ظلم و نابرابری در دیگر نقاط جهان هستند (النجفی، ۸۱: ۲۰۱۱). ادبیات مقاومت فلسطینی به‌ویژه در آثار محمد القیسی و سمیع القاسم، یک تصویر روشن از رنج، مقاومت و عشق به وطن ارائه می‌دهد. این شعرها علاوه بر بیان رنج‌های انسانی و سیاسی ناشی از اشغال، نشان‌دهنده عزم راسخ مردم فلسطین برای حفظ هویت ملی و فرهنگی خود هستند. با استفاده از نمادهایی چون دریا، زیتون و گرداب، این شاعران تصاویر عمیقی از جنگ و مقاومت خلق کرده‌اند که هنوز هم در زمان معاصر تاثیرگذار هستند.

۲. بحث و تحلیل

۲-۱. وطن پرستی در اشعار القیسی

شعر "فاکهة آسویة" اثر محمد القیسی، نمادی از عشق و وابستگی شاعر به وطن و زادگاهش است. در بیت اول، "واحدتی! کم نحنُ بَعیدان تَتَعانقُ والْوَرد الذَّابِلُ یُفْصِلُنَا، وَالشَّطَّانُ"، شاعر به وضوح احساس فاصله عاطفی و جسمی خود را با وطن بیان می‌کند. واژه "واحدتی" به نوعی بیانگر همبستگی و پیوند عمیق شاعر با وطن است؛ این واژه به احساس وحدت در میان افراد یک ملت اشاره دارد. همچنین، تصویر "ورود الذَّابِل" نشانی از زوال و درد است و بیانگر واقعیت تلخی است که شاعر در آن زندگانی می‌کند. در اینجا، شاعر نشان می‌دهد که حتی با وجود فاصله‌های ظاهری، پیوند عاطفی او با وطن همچنان پایدار است.

در بیت بعدی، "لَکِنَّکِ تَنْشَرینَ کَفَطَرِ بریِّ / وَتَتَمَینَ بِحِصْنِ مُجَهَّدة، شاردة"، شاعر به تصویرسازی از وطن به عنوان یک موجود زنده ادامه می‌دهد. استفاده از تصویر "فطر بری" نشان می‌دهد که وطن به طور طبیعی و بی‌قید و شرط وجود دارد و به زندگی ادامه می‌دهد. "وتتامین بِحِصْنِ"

بیانگر حس حمایتی و عشق متقابل است که شاعر به وطن خود دارد. در اینجا، شاعر عمیقاً به تمایل خود برای در آغوش کشیدن زادگاهش اشاره دارد، درحالی که "مُجْهَدَة، شاردَة" به چالش‌ها و آلام وطن اشاره دارد که در این حالت نمایانگر وضعیت واقعی و غمگین آن است.

واحدتی! کم نحنُ بَعِيدَانِ
تَتَعَانَقُ وَالْوَرْدَ الذَّابِلُ يُفْصِلُنَا، وَالشَّطَّانُ
لَكِنَّكَ تَتَشَرِّينَ كَفَطَرِ بَرِّ
وَتَنَامِينِ بِحُضْنِي مُجْهَدَة، شَارْدَة .. وَأَهَالِي الْحَيِّ
يَغْفُونَ وَتَحْتَرِقُ الْأَجْرَاسُ، نَامَ الْحَرَّاسُ
وَالْحُزْنَ هُنَا فَاكْهَة يَوْمِيَّة
يَتَدَاوِلُهَا النَّاسُ
وَأَمْدٌ يَدِي فَتَفَرِّينَ غَزَالاً مَذْعُوراً
وَأُظَلُّ بَعِيداً عَنْكِ، يَظَلُّ الْمَنْفَى (ص ۲۵)

سپس در بیت پایانی، "وَأَمْدٌ يَدِي فَتَفَرِّينَ غَزَالاً مَذْعُوراً / وَأُظَلُّ بَعِيداً عَنْكِ، يَظَلُّ الْمَنْفَى"، شاعر احساس جدایی و بیگانگی را به وضوح بیان می‌کند. تصویر "غزلاً مَذْعُوراً" نمادی از فرار و حفاظت از وطن است که در آن شاعر ناچار است حتی با توجه به وابستگی عاطفی‌اش، از آن دور بماند. در اینجا، "وَأُظَلُّ بَعِيداً عَنْكِ" نشان‌دهنده حس تنهایی و از دست دادن وطن است، حالتی که شاید بسیاری از جوانان و نویسندگان در جوامع تحت سلطه استعمار با آن مواجه باشند. در نهایت، این شعر با تزئین احساسات عاطفی مختلف، تصویر پیچیده‌ای از عشق و رنج ناشی از دوری از وطن را ترسیم می‌کند و نشان‌دهنده وابستگی عمیق شاعر به جغرافیا و فرهنگ خود است.

شعر "طَقُوسُ الْعَرَبِيَّة" اثر محمد القیسی، با بیانی عاطفی و قوی، عشق و تعلق عمیق به وطن را تجلی می‌بخشد و هموطنانش را به بسیج و مبارزه دعوت می‌کند. در این شعر، شاعر با تصاویری از مادری که دستمالی برای بیروت دارد و فریادهای آزادی‌خواهانه در قفس سینه، فضای احساسی را ایجاد می‌کند که نماد درد و امید ملت‌های عربی است. شعر "طَقُوسُ الْعَرَبِيَّة" اثر محمد القیسی به خوبی احساسات عمیق وطن‌پرستی و عشق به سرزمین را به تصویر می‌کشد و هموطنانش را به بسیج و مبارزه دعوت می‌کند. شاعر با اشاره به "دستمال مادرم برای بیروت" و "فریادهای آزاد درون قفس سینه"، احساس خفقان و سرکوب را به تصویر می‌کشد و تمایل به آزادی را به وضوح بیان می‌کند. همچنین، با پرسش از "آقای قرطبی"، شاعر به دنبال یک هویت جمعی و راهکارهای مبارزه در برابر اشغال است. زخم‌ها و دردهایی که ملت متحمل شده‌اند، نماد مقاومت

و ایستادگی آن‌ها در برابر ظلم است و این پیام را منتقل می‌کند که با وجود سختی‌ها، عشق به وطن و اراده برای مبارزه هرگز از بین نمی‌رود.

شعر "طقوس العربیة" با تصاویری عاطفی و سمبلیک، احساسات عمیق و وابستگی شاعر به سرزمینش و همچنین وضعیت کنونی ملت عرب را بررسی می‌کند. در آغاز، با استفاده از نمادی چون "دستمال مادر"، شاعر می‌خواهد ارتباط عاطفی خود را با وطن، به‌ویژه بیروت، به تصویر بکشد (الجابریانی و کمالی، ۲۰۲۴: ۶۸). این دستمال نه تنها یادآور محبت و مراقبت مادری است، بلکه نشان از تعلق عمیق شاعر به هویت و سرزمینش دارد. در ادامه، با اشاره به "فریادهای آزاد درون قفس سینه"، او احساس سرکوب و خفقان را به تصویر می‌کشد و نشان‌دهنده احساسات ناتمام جمعی است که در برابر ظلم و اشغال محبوس شده‌اند. این تضاد میان عشق به وطن و درد ناشی از سرکوب، از ویژگی‌های بارز این شعر است.

لَمَنْدِيلُ أُمِّي، لِبَيْرُوتِ

لِلصَّرَخَاتِ الطَّلِيقَةِ فِي قَفْسِ الصَّدْرِ

هَذَا الْمَدَى الشَّاسِعِ الْبُرْتَقَالِي مِنْ قِبَرَاتِ الْجُنُوبِ

إِلَى أَيْنَ يَا سَيِّدِي الْقُرْطُبِي؟!

إِلَى أَيْنَ مُوَكَّبِ الْعَرَبِي؟ (ص ۳۶)

در این بخش از شعر، شاعر به زیبایی‌های سرزمینش اشاره می‌کند و رنگ "بُرْتَقَالِي" را به امید و زندگی نسبت می‌دهد. او با پرسش‌هایی چون "إِلَى أَيْنَ يَا سَيِّدِي الْقُرْطُبِي؟!" و "إِلَى أَيْنَ مُوَكَّبِ الْعَرَبِي؟"، دعوت به توجه و جستجوی هویت جمعی عربی را به وجود می‌آورد. شاعر با تأکید بر ضرورت رهبری و اتحاد میان ملت‌های عرب، عزم و اراده ملت را برای مبارزه و رسیدن به آزادی نشان می‌دهد. او به زخم‌ها و چالش‌ها نیز می‌پردازد و آن‌ها را نشانه‌ای از مقاومت ملت می‌داند. در نهایت، این ابیات با توصیف جدال بین درد و امید، تصویر روشنی از عزم و اراده ملت عرب برای ایستادگی در برابر ظلم و رسیدن به آرمان‌های خود به دست می‌دهند.

شعر "جراح فلسطینیة" بیانگر عواطف عمیق و درد ناشی از دوری از وطن است. شاعر با تأکید بر هویت فلسطینی خود، عذاب و رنجی را که از تبعید و دوری از زادگاهش احساس می‌کند، به تصویر می‌کشد. در این شعر، تصاویری از عشق و تعلق به وطن، به همراه ناامیدی و دل‌تنگی، به زیبایی در هم تنیده شده‌اند. با وجود تمامی مشکلات و ویرانی‌ها، شاعر بر این باور است که هیچ‌گاه نمی‌تواند وطنش را فراموش کند و عشق به آن همیشه در قلبش زنده است. شعر "جراح فلسطینیة" به‌خوبی حس عمیق وطن‌پرستی و تعلق به سرزمین را به تصویر می‌کشد، که از ویژگی‌های برجسته ادبیات مقاومت است. در این شعر، شاعر با بیان صریح هویت خود به‌عنوان

یک فلسطینی، احساساتی از قبیل درد و رنج ناشی از دوری از زادگاهش، "کفرعانه"، را به تصویر می‌کشد. واژه‌های گزینش شده مانند "عذاب" و "مفقود" عمق احساسات را به نمایش می‌گذارند و تصاویری زنده از تنهایی و اندوه را ایجاد می‌کنند. شاعر در این فضای تاریک، به نوعی با تکیه بر یادها و خاطرات، عزم خود را برای حفظ هویت و فرهنگ ملی خود نشان می‌دهد.

فلسطینی، أجل إتي فلسطینی
هُویتی العذاب یظلّ مصلوباً علی وجهی ویدنینی
من الینبوع فی وطنی، هناک "بکفرعانه" وجهی
المفقود وجهی الأصل
وإن هامواً بصحراء الدجی والتیه والشجن
وإن طعنوا بسکین الطوی فی عتمة اللیل
وإن طالت جبال النفی والبین
فلن ننساک، لن ننساک، یا وطنی
لأنک فیهِ أنتِ الروح، أنتِ الوهج والفكرة (ص ۴۹)

با این حال، شعر از حس امید و پایداری نیز پر است. شاعر با وجود تمام دردها و مشکلات ناشی از تبعید، عشق به وطنش را زنده نگه می‌دارد و به طور مکرر بر این نکته تأکید می‌کند که حتی اگر پل‌ها و ارتباط‌ها ویران شوند، این عشق هرگز فراموش نخواهد شد. تضاد میان زیبایی‌های وطن و درد ناشی از دوری، حس عمیق‌تری به شعر می‌بخشد و باعث می‌شود که خواننده نیز با احساسات شاعر همذات‌پنداری کند (شاملی و همکاران ۱۳۷:۲۰۱۵). در نهایت، این شعر نه تنها بیانگر واقعیت‌های تلخ زندگی فلسطینی‌هاست، بلکه به عنوان نمادی از امید و عشق به سرزمین، در دل هر انسان با احساسی باقی می‌ماند.

۲-۲. دعوت به پایداری و استقامت

أیها یا عمود الأرض، یا رمز البقاء لی إذن بالخروج
واسمحا أن أری الأرض تحتیاسمحا أن أسافر فی الملکوت، واسمحا أن أموت
أیها الشرطی، کن أخی، صاجبی
کن معی لا علی، أیها الشرطی (ص ۱۹)

شعر محمد القیسی در اشعار معاصر عربی، به ویژه در سروده‌های "یا عمود الأرض، یا رمز البقاء"، دعوت به استقامت و پایداری را به وضوح به تصویر می‌کشد. در شعر بالا شاعر با خطاب مستقیم به پلیس، خواستار آزادی و اجازه خروج برای احساس بهتر و درک واقعیت‌های سرزمین خود است. این بیان نمادین از ناامیدی و همچنین امید است؛ دعوت به همبستگی و برادری میان

مردم، به‌ویژه در برابر ناملايمت‌ها و مشکلات. او از تعدی و سرکوب موقف می‌گیرد و بر ضرورت همبستگی ملت در برابر دشمن تأکید می‌کند. این شعر نشان‌دهنده این است که پایداری نه تنها بر مقاومت فردی، بلکه بر همسویی و اتحاد نیز تأکید دارد.

در سروده بالا شاعر با تصاویری از بارش باران و حرکت پرندگان، سمبلی از امید و تجدید حیات را برای ملت و سرزمینش طراحی می‌کند. او با اشاره به "مردان از خاکستر می‌زایند" به نوعی به تاریخ و فرهنگ غنی ملت خود اشاره دارد، که با وجود سختی‌ها و ویرانی‌ها، قادر به تولد نیروی جدید هستند. این تعبیری از قهرمانان ملی است که با وجود شرایط دشوار، آمادگی دارند تا زخم‌های وطن را درمان کنند و با تقدیمی از جان و دل، برای ملت خود تلاش کنند. در حقیقت، شعر به‌عنوان نمادی از سرزمین و تاریخ، بازتاب‌دهنده عشق و پایداری ملت در برابر دشمن است.

در نهایت، دعوت به پایداری و استقامت در آثار محمد القیسی معانی عمیقی به همراه دارد. شاعر به اهمیت یادآوری دلاوری‌ها و جان‌فشانی‌های نیاکان اشاره می‌کند که می‌تواند به‌عنوان منبع الهام‌بخش نسل‌های جدید عمل کند. این یادآوری‌ها نه تنها احساس ملی‌گرایی و هویت را تقویت می‌کنند، بلکه به برانگیختن اراده برای مقابله با چالش‌ها کمک می‌کنند (درویشی، ۲۰۱۰: ۲۱۸). به‌طور کلی، شعر القیسی نشان‌دهنده این است که پایداری و ایستادگی در برابر چالش‌ها مستلزم اتحاد، همدلی و یادآوری تاریخ و فرهنگ غنی یک ملت است. با این رویکرد، شاعر هر دو شعر را به‌گونه‌ای طراحی می‌کند که همه‌جانبه بودن پایداری را یادآوری کند و نشان دهد که چگونه می‌توان از ریشه‌های فرهنگی و تاریخی برای توانمندسازی نسل‌های آینده بهره برد.

مِنْ الرَّمَادِ يُؤَلِّدُ الرَّجَالُ الصَّامِدِ

مِنْ السَّقَائِفِ الْمُهْدَمَةِ

تَرَابِكِ الْمَجْبُولِ بِالدَّمَاءِ مَا يَزَالُ مَزْهَرًا

يُظَلُّ يَحْمِلُ الشَّدَى

عَبِيرُهُمْ يُظَلُّ عَالِقًا، عَلَى بَقِيَّةِ الْجُدْرَانِ يَا حَبِيبَتِي وَالْمُصْطَبَةِ

أَتَعْلَمِينَ عَنْ طَبُورِنَا الْمَغْرَبَةِ

تَجِيءُ مِثْلَ الرِّيحِ وَالرَّعُودِ وَالْمَطَرِ

تَشِيلُ فِي مَنَاقِرِهَا لَجْرَحِكِ الدَّوَاءِ

فَلْتَرَقَّبِي فِي اللَّيَالِيِ الْمَعْتَمَةِ

أَسْرَابِهَا إِلَيْكَ قَادِمَةٌ

الرَّمْحُ بَعْدَ مَا انْكَسَرَ (ص ۷۸)

در این قطعه شعر، شاعر به تصویرسازی از الصامد (نمادی از وطن) می‌پردازد. ابتدا به "السقائف المهدّمة" اشاره می‌کند، که نشانی از ویرانی و دردهای گذشته است. او با تأکید بر "ترابک المجبول بالدماء" (خاک آغشته به خون)، به مظلومیت و فداکاری‌هایی که برای سرزمینش صورت گرفته، اشاره می‌کند. تصور "مزهر" نشان‌دهنده امید و زندگی دوباره در شرایط سخت است و به نوعی بیانگر این نکته است که حتی در زمینه‌های ویران، هنوز نشانه‌هایی از زندگی و زیبایی وجود دارد. شاعر همچنین به "طیورنا المغرّبة" اشاره می‌کند که به سوی وطن بازمی‌گردند و در منقار خود "لجرحک الدواء" (دارویی برای زخم‌ها) حمل می‌کنند. این تصویر نماد بازگشت امید و حمایت از وطن است، به‌ویژه در دشواری‌ها. شاعر به مغرب زمین اشاره می‌کند که در آن پرندگان با خود مژده‌ای از بهبودی به ارمغان می‌آورند و به وطن بازمی‌گردند. در پایان، شاعر با عبارت "الرمحُ بعد ما انکسر" به ایستادگی و مقاومت حتی پس از شکست اشاره می‌کند. این جمله نشان می‌دهد که هرچند ممکن است در گذشته شکست‌هایی وجود داشته باشد، اما روح پایداری و ایستادگی در برابر دشواری‌ها همواره زنده است. با این تحلیل، می‌توان گفت که محمد القیسی در هر دو شعر دعوت به پایداری و همبستگی را به‌خوبی به تصویر می‌کشد و از مخاطب می‌خواهد که با یادآوری تاریخ و فرهنگ، قدردانی از فداکاری‌ها را فراموش نکنند و برای ساختن آینده‌ای بهتر تلاش کنند (الأحمدی و همکاران، ۲۰۲۳: ۸۸).

۲-۳. مبارزه با جهل و غفلت از دشمن

محمد القیسی در آثار خود به وضعیت ناگوار محیطی که انسان‌ها را در رنج و فقر می‌کشاند، اشاره می‌کند و بر اهمیت کسب علم تأکید دارد. او وضعیت‌های ناخوشایند را موانعی برای دستیابی به سعادت می‌داند و در سروده‌ای می‌گوید:

و أخرجی من هذه العتمة مشكاةً وزيتاً

فإذا الليل سجي

ما ودع الطالب ظلّ النخل و الرمان، و القلب قلی

یا حقول القمح هاتی الکتبا (ص ۵۹)

از این تاریکی چراغی و روغنی به درآور. زمانی که شب به آرامش کامل رسیده است. هرچند فقط سایه درخت خرما و ماسه در این سرزمین مانده است، اما طالب علم هرگز تلاش خود را ترک نکرد و دلش خشمگین نشد. ای دشت‌های علم، کتاب‌ها را به من دهید. این شعر نمایانگر درد و رنج دوران تحصیل شاعر و هموطنانش است. او با وجود مشقات تأکید بر پیگیری علم دارد و به مبارزه با جهل و غفلت می‌پردازد. القیسی نشان می‌دهد که انسان می‌تواند در برابر

شرایط نامساعد صبور باشد و در جستجوی دانش تلاش کند. او از وجود نور ایمان و هدایت در دل فلسطینیان تحت سلطه صهیونیسم ابراز خرسندی می‌کند. این شاعر با هدف آگاه کردن مخاطبان در برابر دشمن، بر حفظ هویت و اصل خود تأکید می‌ورزد:

عند الفجر، يُطلقون السفَر
على الحجر والماء دون تردد
تشرق الشمس كما قطرات الندى المتألثة
أولئك الذين ينتمون إلى نسل الماء
بقلوب متلهفة وخطوات ثابتة
يحملون حقائب خفة واستعداداً للإجابة
يا أيها المخاطب للشمس
أراك ما زلت ترتجف في نبض الشك
آه يا قلبي، لقد أصبحت عاراً عليّ
حقاً، إنك من نسل الحجر! (ص ۳۶)

در این شعر، محمدالقیسی از توانایی‌های ملت خود سخن می‌گوید و به تردید موجود در دل مخاطب اشاره می‌کند. او مخاطب را دعوت می‌کند که در برابر حقایق روشن و دیرینه خود آگاه باشد و از غفلت و جهل دور شود.

در اشعار او، دشمن به عنوان موجودی در جهل و غفلت معرفی می‌شود و این شاعر با حماسه آفرینی، پیروزی ملت خود را نمایان می‌کند. برعکس، محمدالقیسی بر دوری ملت خود از جهل و غفلت تأکید می‌کند. در حالی که القیسی بر لزوم دانش و تلاش در برابر مشکلات تأکید دارد، او به ضعف دشمن در غفلت و تردید اشاره می‌کند. این دو شاعر از زوایای متفاوتی به مسئله جهل و غفلت نگاه می‌کنند، یکی به تجلی علم در ملت و دیگری به ضعف دشمن در آگاهی و شناخت.

شاعر در بخش "یا أيها المخاطب للشمس... أراك ما زلت ترتجف في نبض الشك" مخاطب خود را که در ترس و تردید گرفتار شده است، نکوهش می‌کند. این بخش ممکن است به کسانی اشاره کند که در برابر ظلم و اشغال سکوت کرده یا جرأت مقابله ندارند. با استفاده از استعاره سنگ در "حقاً، إنك من نسل الحجر"، شاعر این افراد را به سنگ‌هایی بی‌روح تشبیه می‌کند که توان حرکت یا تغییر ندارند. این استعاره، ایستایی و عدم مشارکت را به عنوان یک عیب معرفی می‌کند که باعث تقویت ظلم می‌شود. در مجموع، این شعر در حالی که استقامت و امید را در

برابر اشغال ستایش می‌کند، از ترس و سکون در برابر ظلم نیز انتقاد کرده و به طور غیرمستقیم به ضرورت مقابله فعالانه اشاره دارد.

۳. پایداری سمیع القاسم و وطن‌پرستی در ادبیات مقاومت فلسطین: تحلیل نمادهای دریا و عشق به وطن

سمیع القاسم، شاعر فلسطینی، در آثار خود از ابزارهای نمادین برای بیان مفاهیم عمیق وطن‌پرستی و پایداری استفاده می‌کند. این مفاهیم از طریق تصاویری چون "دریا"، "زیتون"، "لیمون" و "گرداب" به زندگی و مقاومت فلسطینیان در برابر اشغالگری تبدیل شده‌اند. القاسم با خلق تصاویری پرشور و ملتهب، احساسات درد و اندوه مردم فلسطین را به‌ویژه در رابطه با وطن، زمین و هویت جمعی آنها به شیوه‌ای هنرمندانه و پیچیده انتقال می‌دهد.

۳-۱. پایداری و ایستادگی در برابر ظلم

پایداری در اشعار سمیع القاسم نه تنها یک مفهوم سیاسی است بلکه به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی و اجتماعی فلسطین نیز مطرح می‌شود. در شعرهای او، پایداری به معنای مقاومت در برابر اشغالگران است که به‌شکل نمادین و با استفاده از عناصر طبیعی و انسانی به‌تصویر کشیده می‌شود. به‌طور کلی، در تصویری که از دریا ارائه می‌دهد، نشان‌دهنده وضعیت خروشان درونی شاعر است که نمایانگر شدت احساسات درونی و عزم راسخ فلسطینیان برای ایستادگی است (گلی و شهاب‌الدین ۲۰۱۷: ۵۷). در قطعه شعری که در آن دریا به‌عنوان نماد مطرح می‌شود، القاسم از "دریای هاج" سخن می‌گوید که امواج آن متلاطم و خروشان است:

وَتَحْتَ صَدْرِي بِخُورِ هَاجٍ مَائِحٍ... وَعِنْدَ دَوَارِ الْبَحْرِ وَالْجَلِّ (ص ۱۴)

در اینجا دریا نه تنها نماد طبیعت است، بلکه بازتاب‌دهنده وضعیت روحی و عاطفی فلسطینی‌ها است که در برابر ظلم و فشارهای خارجی همچنان مقاوم و ایستاده‌اند. دریا با ویژگی‌های خروشان و متلاطم خود نمایانگر درد و رنج فلسطینیان است که از اشغال سرزمین‌شان ناشی می‌شود.

۳-۲. وطن‌پرستی و عشق به سرزمین

در تحلیل دیگر از اشعار سمیع القاسم، می‌توان به‌وضوح دید که او سرزمین فلسطین را همچون معشوقی محبوب می‌بیند که در برابر آن هیچ چیز برایش مهم نیست (گلی و شهاب‌الدین ۲۰۱۷: ۶۰). در حقیقت، القاسم با تصویر کردن خود به‌عنوان "گردابی" که از "دریای نقره‌گون" مجنون شده است، عشق و تعلق عمیق فلسطینیان به سرزمین‌شان را به‌عنوان نیرویی که تمام وجودشان را تسخیر کرده، به‌تصویر می‌کشد:

أَنَا دَوَامَةٌ جَنْتُ بِحَرٍّ مِنْ لَجِينَفَانَا/ أَصْبَحْتُ مِنْ نَادِي بَعِينِكِ السَّبِيلِ (ص ۲۴)

این تصویر از "گرداب" به معنای اسارت در عشق به سرزمین و وفاداری به وطن است. "دریای نقره‌گون" و "گرداب" نمادهایی هستند که نشان‌دهنده اسارت و تسلط بی‌پایان عشق به سرزمین فلسطین بر شاعر است. این عنصر نمادین از تعلق قلبی به سرزمین مادری و پایداری برای حفظ آن حتی در شرایط سخت و در دل ظلم و فشارهای خارجی حکایت دارد.

۳-۳. مفهوم "مستی بدون شراب" و جاذبه وطن

در شعر دیگری از القاسم، می‌بینیم که شاعر خود را درگیر "مستی بدون شراب" می‌داند که نتیجه‌اش همان تعلق شدید به وطن است. شاعر با اشاره به تأثیر چشمان معشوق (که در اینجا همان سرزمین فلسطین است) بر او، از ناتوانی خود در مقابل عشق به وطن می‌گوید:

"مستی بدون شراب از جانب تو قلب و چشم مرا نابود کرد".

در اینجا "مستی بدون شراب" به‌طور نمادین نشان‌دهنده نوعی شور و شیدایی است که فراتر از تأثیرات مادی یا فیزیکی است. این مستی همان عشق و دل‌بستگی است که هیچ چیز نمی‌تواند آن را کاهش دهد و تنها به دلیل تعلق به سرزمین و وطن است. القاسم در این تصویر از "مستی" نشان می‌دهد که فلسطینیان تحت تأثیر عشق به سرزمین خود، حتی در شرایط سخت و در میانه مبارزات، همچنان در جست‌وجوی آزادی و عدالت هستند.

شعر سمیع القاسم، در بسیاری از آثارش، نمادهای مهمی از هویت فلسطینی و وطن‌پرستی را به تصویر می‌کشد. یکی از بارزترین نمادها در شعر او درخت زیتون است که به‌عنوان نمادی از مقاومت، صلح و هویت سرزمین فلسطینی به کار می‌رود. در این شعر، زیتون نه تنها نشان‌دهنده وفاداری و تعلق عاطفی شاعر به خاک فلسطین است، بلکه نشان‌دهنده قدرت ایستادگی در برابر اشغالگری نیز می‌باشد. سمیع القاسم در قطعه‌ای می‌گوید:

مَادَامَتْ لِي زَيْتُونَةٌ... وَ لَيْمُونَةٌ بَرٌّ وَ شَجِيرَةٌ صَبَارٌ (ص ۳۵)

این بخش از شعر به‌طور نمادین نشان می‌دهد که زیتون و لیمو به‌عنوان نمادهایی از طبیعت بومی سرزمین فلسطین، نقش حیاتی در حفظ هویت فلسطینی دارند. شاعر در اینجا تأکید می‌کند که تا زمانی که این درختان در سرزمینش باقی هستند، او نیز به ایستادگی و مقاومت ادامه خواهد داد و این مقاومت نه تنها در برابر اشغالگران بلکه در برابر فراموشی هویت فلسطینی است (رستم پور و پیغامی ۲۰۱۳: ۹). در ادامه، شاعر به میراث فرهنگی و تاریخی فلسطین اشاره می‌کند که در قالب "کتابخانه کوچک" و "یاد و خاطره‌ای" نمود می‌یابد. این نمادها نمایانگر تلاش فلسطینی‌ها برای حفظ فرهنگ و هویت خود در برابر تهدیدات اشغالگری است. سمیع القاسم می‌گوید:

مَادَامَتْ لِي ذِكْرِي مَكْتَبَةً صَغْرِي صُورَةً جَدٍ مَرْحُومٍ... وَ جِدَارٌ (ص ۳۷)

این نمادها نه تنها ارتباط نسل‌های گذشته با نسل حاضر را نشان می‌دهند، بلکه نشان‌دهنده پیوند عمیق مردم فلسطین با میراث فرهنگی و تاریخی‌شان است. شعر سمیع القاسم در اینجا به‌وضوح نشان می‌دهد که تا زمانی که این یادگاری‌ها در دسترس مردم فلسطین باشد، آن‌ها همچنان در برابر دشمن خواهند ایستاد و از هویت فرهنگی خود دفاع خواهند کرد (سیاوشی و همکاران، ۲۰۲۳: ۵۷).

۳-۴. مبارزه با جهل و غفلت

در ادبیات فلسطینی، مبارزه با جهل و غفلت از دشمن به‌ویژه در آثار سمیع القاسم از جایگاه خاصی برخوردار است. القاسم در شعر خود به‌طور پیوسته بر این نکته تأکید می‌کند که ملت عربی باید از خواب غفلت بیدار شود و به‌دفاع از سرزمین‌های اشغالی و ارزش‌های انسانی خود پردازد (معصومی، ۲۰۲۰ ص ۱۸). یکی از نمادهایی که در این راستا در شعر سمیع القاسم مورد استفاده قرار می‌گیرد، صحرا است که به‌عنوان نمادی از هویت ملت عربی و مبارزه برای آزادی در برابر ظلم و استعمار به‌کار می‌رود. در این زمینه، سمیع القاسم می‌گوید:

صَحْرَاءُ! هَذِي يَدِي هَلْ تَرِي دَمِي جَارِيَةً فِي الْعُرُوقِ؟... وَهَلْ تَسْمَعِي صَرَاحِي (ص ۴۷)

در این شعر، القاسم خطاب به صحرا می‌گوید که آیا خون او در رگ‌هایش جاری است و آیا صدای فریاد او را می‌شنود؟ این فریاد نمادی از بیداری است که القاسم می‌خواهد از ملت عرب و فلسطینیان بشنوند. در واقع، این ابیات، فراخوانی است برای برخاستن از غفلت و مواجهه با تهدیدات و اشغالگری‌هایی که ملت‌های عرب را تهدید می‌کند. سمیع القاسم در اینجا با استفاده از تصاویر عاطفی و کنایی، از ملت‌ها می‌خواهد که هویت خود را به یاد بیاورند و در برابر ظلم ایستادگی کنند. یکی دیگر از نمادهایی که سمیع القاسم در شعر خود برای مبارزه با جهل و غفلت به‌کار می‌برد، گل سرخ است. گل سرخ در شعرهای وی نمایانگر خون شهدای فلسطینی است و در عین حال به‌عنوان یک نماد پاک و مقدس از فدای جان در راه آزادی شناخته می‌شود. شاعر در یکی از اشعار خود درباره شهدای فلسطین می‌نویسد:

وَجَبَّةٌ مِنْ دَمٍ لِحَرِيحٍ جَدِيدٍ لَمْ تَزَلْ وَرْدَةً لِلشَّهِيدِ.. (ص ۴۹)

این ابیات به‌طور نمادین خون شهدای جدید را به گل سرخ تبدیل می‌کند که همچنان یاد و نام آن‌ها را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد. خون شهیدان و فداکاری‌های آنان باید به‌عنوان بیداری و هشدار برای ملت‌های عرب عمل کند، تا از جهل و غفلت خود در برابر اشغالگری‌ها و فسادهای داخلی بیدار شوند. در مجموع، مبارزه با جهل و غفلت در شعر سمیع القاسم از طریق نمادهایی مانند صحرا و گل سرخ به‌عنوان ابزارهایی برای بیداری و مقاومت ملت عرب در برابر ظلم و

استبداد شکل می‌گیرد (روشنفکر و همکاران ۲۰۱۲: ۱۴). این اشعار، نه تنها ملت فلسطین بلکه تمامی امت عرب را فرا می‌خوانند که از خواب غفلت بیدار شوند و برای دفاع از سرزمین‌ها و هویت فرهنگی خود به پا خیزند.

۴. مقایسه شعرهای محمد القیسی و سمیح القاسم

شعر محمد القیسی به‌ویژه در "فاکهة آسیویة" تأکید بیشتری بر درد و فاصله عاطفی از وطن دارد، اما در عین حال، از همبستگی و پیوند عمیق به آن نیز سخن می‌گوید. این احساس در اشعار القیسی به‌طور مستقیم و در قالب تصاویری چون "فطر بری" و "بحضنی" بیان می‌شود. در واقع، القیسی در پی جلب توجه به چالش‌ها و مشکلات وطن است، اما در عین حال، ابراز عشق و پیوند به وطن را به‌عنوان نیروی حمایت‌کننده در برابر این چالش‌ها تصویر می‌کند.

سمیح القاسم در اشعار خود، به‌ویژه در استفاده از تصاویری چون "دریای نقره‌گون" و "گرداب"، به یک نوع عشق و تعلق شدید به وطن می‌پردازد که کاملاً بر جنبه‌های سیاسی و مقاومتی تأکید دارد. وطن در اشعار القاسم نه تنها یک عنصر عاطفی بلکه یک عنصر مبارزاتی و مقاومت‌آفرین است که با وجود مشکلات اشغالگری و ظلم، شاعر و مردم فلسطین به آن وفادارند. هر دو شاعر به‌طور عمیق و زیبا وطن‌پرستی را در اشعار خود بیان کرده‌اند، اما رویکردهای متفاوتی دارند. در حالی که محمد القیسی بیشتر به عواطف و پیوندهای شخصی و عاطفی خود با وطن می‌پردازد، سمیح القاسم وطن‌پرستی را در چارچوب مبارزه و پایداری در برابر اشغالگری و ظلم سیاسی می‌بیند. هر دو شاعر با استفاده از نمادهای طبیعی و تصویری، احساسات خود را به‌طور عمیق و ملموس به خواننده منتقل می‌کنند و از این رو، وطن‌پرستی در اشعارشان به‌عنوان یک ارزش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به‌طور برجسته‌ای نمایان است.

محمد القیسی در شعرش با خطاب مستقیم به پلیس، از آزادی و پایداری در برابر سرکوب سخن می‌گوید. در این شعر، دعوت به همبستگی و برادری میان مردم برای مقابله با مشکلات و ناملایمات برجسته است. سمیح القاسم در اشعار خود، به‌ویژه در استفاده از نماد "دریا"، پایداری را در قالب مقاومت شدید و خروشان در برابر ظلم و اشغالگری فلسطینیان به‌تصویر می‌کشد. در نهایت، هر دو شاعر با استفاده از نمادهای طبیعی و عاطفی، پیام‌های پرقدرتی درباره پایداری و استقامت در برابر ظلم و فشارهای خارجی منتقل می‌کنند، اما القیسی بیشتر بر اتحاد و همبستگی تأکید دارد، در حالی که القاسم بیشتر بر شدت مقاومت و عزم راسخ در برابر اشغالگری تمرکز می‌کند.

محمد القیسی در اشعار خود، با تأکید بر جستجوی علم و دوری از جهل، به مبارزه با شرایط محیطی ناگوار و مشکلات موجود در راه دانش پرداخته است. او در برابر ظلم و سرکوب، همچنان بر اهمیت علم و آگاهی تأکید دارد و معتقد است که تنها از طریق علم است که می‌توان از تاریکی‌ها عبور کرد. او مخاطب خود را که گرفتار تردید و شک است، نکوهش می‌کند و از او می‌خواهد که از جهل و غفلت خارج شود و به حقیقت روشن ملت خود پی ببرد. در اینجا، القیسی دشمن را به‌عنوان موجودی در جهل و غفلت معرفی می‌کند، که در تضاد با ملت آگاه و هوشیار قرار دارد. سمیع القاسم نیز در اشعار خود، به‌ویژه از نمادهایی مانند "صحرا" و "گل سرخ"، برای مبارزه با جهل و غفلت استفاده می‌کند. در شعرهایی مانند "صَحْرَاء! هَذِي يَدِي..."، او از ملت‌های عربی می‌خواهد که از خواب غفلت بیدار شوند و در برابر ظلم و اشغالگری‌ها ایستادگی کنند. صحرا به‌عنوان نمادی از هویت عربی و مبارزه برای آزادی در برابر استعمار و ظلم به‌کار می‌رود. در این زمینه، القاسم بر ضرورت بیداری و یادآوری خون شهدای فلسطینی تأکید دارد تا از جهل و غفلت خود خارج شوند و در برابر تهدیدات مقاومت کنند. گل سرخ نیز به‌عنوان نماد خون شهدا و فدای جان در راه آزادی به‌کار می‌رود که بر لزوم ایستادگی و بیداری ملت‌ها تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

تحلیل اشعار القیسی نشان می‌دهد که او از مضامینی چون جنگ، درد و نابرابری بهره می‌برد تا احساسات غم و امید را در دل مردم بیدار کند. او با تصاویری ملموس و گویا، به تصویر کشیدن زخم‌های ملت و جستجوی آزادی و عدالت را در مرکز توجه قرار می‌دهد. برای مثال، اشارات او به "دستمال مادرم برای بیروت" و "فریادهای آزاد درون قفس سینه" نه تنها یادآور عشق و تعلق عاطفی به وطن است، بلکه نمایانگر خفقان و سرکوبی است که مردم تجربه می‌کنند. شاعر در اشعارش به زیبایی‌های سرزمینش و همزمانی آن با رنج‌ها و مبارزات مردم اشاره می‌کند و با استفاده از رنگ‌ها و تصاویری شاعرانه، امید به آینده را در دل مخاطب زنده می‌کند. همچنین، پرسش‌هایی چون "إلى أين يا سیدی القرطبی؟!" نماد جستجوی هویت جمعی و دعوت به اتحاد میان ملت‌های عربی است. در نهایت، اشعار محمد القیسی به‌عنوان ابزاری قدرتمند در خدمت بیداری اجتماعی و دفاع از هویت ملی عمل می‌کنند. این آثار نه تنها زیبایی ادبی را به نمایش می‌گذارند، بلکه عشق عمیق به وطن و عزم راسخ برای مبارزه در برابر ظلم و تجاوز را به وضوح منتقل می‌کنند. پیام مقاومت و امید در اشعار او، نسل‌های آینده را نیز به استقامت و مبارزه برای آزادی و عدالت دعوت می‌کند. در اشعار محمد القیسی، وطن‌پرستی و عشق به سرزمین با عواطف عمیق و تصاویر سمبلیک به‌خوبی منعکس می‌شود. در شعر "فاکهة آسیویة"، شاعر با

تصویر فاصله و جدایی از وطن، پیوند عاطفی‌اش را با سرزمین خود نشان می‌دهد، در حالی که در "طقوس العربية" و "جراح فلسطینیه"، از درد و رنج ناشی از تبعید و اشغال سخن می‌گوید. او با استفاده از تصاویر طبیعی مانند "فطر بری" و "طیورنا المغربة"، امید به بازگشت و پایداری را منتقل می‌کند. القیسی با تأکید بر اتحاد، مقاومت و پایداری در برابر ظلم، مردم عرب را به همبستگی و مبارزه برای آزادی و استقلال فرا می‌خواند.

در همین راستا، پایداری سمیع القاسم در برابر اشغالگری و وطن‌پرستی که در اشعار او موج می‌زند، از طریق نمادهای پیچیده و تصاویر هنری به‌طور عمیق‌تری به مخاطب منتقل می‌شود. دریا، گرداب، مستی و دیگر نمادها در آثار او به‌طور مداوم به‌عنوان ابزارهایی برای بیان مقاومت، تعلق به سرزمین و عشق به وطن استفاده می‌شوند. این نمادها، نه تنها وضعیت سیاسی و اجتماعی فلسطین را بازتاب می‌دهند، بلکه نمایانگر روحیه‌ی مردم فلسطین در برابر ظلم و تجاوز است. القاسم با استفاده از این نمادها، پیامی از ایستادگی و مقاومت را به جهانیان منتقل می‌کند و تأکید می‌کند که هیچ چیزی نمی‌تواند از فلسطینیان هویت، آزادی و سرزمین‌شان را بگیرد.

کتابنامه

- أحمدی، ثریا. (۲۰۱۵). عصور المقاومة الأدبية في العالم العربي. دار النهضة العربية، شماره ۴، مجلد ۵. ص ۸۱.
- الأحمدي، محمد، شفاثی، رویا، و ابراهیمی اورنگ، ح. (2023). اتجاهات أدب المقاومة في الرواية العربية. المجلة الأدبية، شماره ۱۶، مجلد ۲، ص ۷۰-۹۰.
- ایرانی زاده، نیره وزملاؤه. نوشین. (۲۰۲۱). بنماخه الشهداء والشهادة في شعر حسن حسینی. مجلة الأدب العربي، شماره ۱۲، مجلد ۳، ص ۷۵-۸۸.
- بصیری، داود. (۲۰۰۸). أدب المقاومة: تعريفه ومراحله. دار الفكر العربي، شماره ۷، مجلد ۳. ص ۴۱.
- ترابی، ثریا. (۲۰۱۶). غسان کنفانی ودوره في تشكيل مفهوم أدب المقاومة الفلسطينية. دار الحوار، شماره ۹، مجلد ۵. ص ۸۵۱.
- الجابريانی، علی. و کمالی، محمد. (2024). أدب المقاومة في العصر الحديث. مجله الأدب العربي، شماره ۱۵، مجلد ۳، ص ۵۷-۷۸.
- حبیب آباد، زهرا. (۲۰۲۱). استعراض السمات الرومانسية في أدب المقاومة بالاعتماد على أشعار أمینبور، حسینی و غمرارودی. (أطروحة ماجستير). جامعة سمنان.
- حجازی بهجت السادات، & رحیمی فائزه. (۲۰۱۱). جلوه های ادبیات پایداری در شعر ایلیا ابوماضی. دار الشروق. شماره ۷، مجلد ۵. ص ۱۷.

پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو زبان عربی و جریان‌های ادبی (ISC) / ۵۴۳

- حسینی، فاطمه. (۲۰۰۵). دراسة ملامح الغروتيسك في رواية .إضاءات نقدية في الأدبين العربی و الفارسی، شماره 4712، مجلد ۱۱۵-۱۳۸.
- درویشی، حمید. (۲۰۱۰). الشروط الاجتماعية والثورية لأدب المقاومة .مكتبة الأمل، شماره ۶، مجلد ۷. ص ۲۱۸.
- رستم پور رقیه، و پیغامی مینا. (۲۰۱۳). عنوان عربی: تحلیل الخطاب السياسي على المستوى الصرفي في أشعار سمیح القاسم (موازنة بين الأشعار قبل حرب ۱۹۶۷ و بعدها)(عنوان فارسی: گفت‌وگو بین کلاوی سیاسی اشعار سمیح القاسم با رویکرد تحلیل صرفی افعال). شماره ۷، مجلد ۵. ص ۹
- روشنفکر، پردیس و آخرون. خدیجه . (۲۰۲۲). تحلیل تطبیقی لموضوعات المقاومة في شعر سمیح القاسم، حسینی و آمینبور. فصلیة الدراسات الأدبیة، شماره ۹(1)، ص ۴۵-۶۷.
- سنگری، بردیا. (۲۰۰۹). التحليل السياسي لأدب المقاومة وتأثير النظام الاستبدادي .دراسات أدبیة، شماره ۷. ص ۴۸
- سیاوشی، صابره، جاوید مهر، و نصیحت. (۲۰۲۳). واکاوی تطبیقی ادبیات اعتراض در اشعار سمیح القاسم و علیرضا قزوه (با تکیه بر انتقاد از نهادهای بین المللی). فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۱۷، مجلد ۶۵. ص ۵۷
- شاملی، دکتر نصرالله، & نصرتی. (۲۰۱۵). بن مایه های مشترک ادبیات پایداری در ایران و عراق پس از اشغال. همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق، شماره ۱۲، مجلد ۱، ص ۱۲۵-۱۴۶.
- الفاخوری، حمید. (۲۰۱۵). تأثیر المعتقدات الدينية في تطوير أدب المقاومة .مجلة الثقافة الوطنية، المجلد، مجلد ۷. ص ۱۲
- القیسی، محمد. (۱۳۶۵). قصائد منسوبة إلى الثورة .دار الشروق. شماره ۵، مجلد ۸. ۲۲-۴۰
- کردستانی، سعید. (۲۰۲۳). تصویریة الإیثار والشهادة في شعر حسن حسینی، قیصر آمینبور، و علی رضا قزوه. (أطروحة ماجستير). جامعة رازی. شماره ۱۲، مجلد ۴. ص ۲
- گلی، کریمی و شهاب‌الدین. (۲۰۱۷). نشانه شناسی درون مایه های پایداری در اشعار سمیح القاسم و پابلو نرودا با تکیه بر روش فرم (معنا) و مفهوم رولان بارت. پژوهش های تطبیقی زبان و ادبیات ملل، شماره ۸، مجلد ۳، ۵۷-۷۸.
- معروف، یحیی، و معصومی. (۲۰۲۰). خاستگاه نماد و اسطوره پرنده‌گان در ادبیات پایداری (بررسی موردی اشعار سمیح القاسم). نقد ادب معاصر عربی، شماره ۹، مجلد ۱۷، ۱-۲۴.
- ملایی، زهرا. و آخرون، سمیه. (2023). عناصر أدب المقاومة .مجلة الأدب العربي المعاصر، شماره ۵، مجلد ۲، ص ۵۰-۶۵.
- النجفی، لیلا. (۲۰۱۱). تأثیر الثقافة الشعبية والتراث على أدب المقاومة .مجلة التراث الثقافي، شماره ۱۵، مجلد ۳، ۸۱.

